Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization
Vol. 15, Spring 2024, No. 54

Typology, goals and formation stages of the social movement against the third caliph With a sociological approach

Seyed Hossein Rashidi Fard[1] \ Mahdi Qolamali[2]

1. Ph.D student of Nahj al-Balagha University of Qur'an and Hadith Qom, Qom, Iran.
sydhsynrshydyfrd@gmail.com
2. Associate Professor Department of Hadith Sciences, University of Qur'an and Hadith Qom, Qom, Iran.
mahdigh53@gmail.com

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2023.12.25
Accepted:
2024.06.15

Abstract

One of the most important social events in the history of Islam, which has caused social and party differences among Muslims, is the public uprising against the third caliph Uthman bin Affan and his death. His performance in the field of appointing non-committed agents, unfair distribution of public property and non-implementation of some Islamic rules and regulations caused widespread protests and a revolutionary movement against the third caliph. Sociological analysis of the aforementioned movement, classification and examination of the formation stages of this social phenomenon is the subject of the present research. In this article, we seek to investigate the goals, stages of formation and classification of this important social phenomenon of early Islam with a sociological approach, with a library review of historical texts, early and late narratives.

Keywords Othman bin Affan, formation of social movement, non-committed agents, unfair distribution of public property, sociological approach.

Cite this article: Rashidi Fard, Seyed Hossein & Mahdi Qolamali (2024). Typology, goals and formation stages of the social movement against the third caliph With a sociological approach. *The History of Islamic Culture And Civilization*. 15 (1), 103-122. DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.101

DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.101

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
السنة ١٥ / ربيع عام ١٤٤٥ / العدد ٥٧
جامعة المعارف الإسلامية

معرفه النوع، الاهداف و مراحل بلورة الحركة الاجتماعية ضد الخليفة الثالث برؤيه معرفة المجتمع

سيد حسين رشيدي فرد[١] / مهدي غلامعلي[٢]

١. طالب دكتوراه نهج البلاغة جامعة القران و الحديث، قم، ايران.
sydhsynrshydyfrd@gmail.com

٢. أستاذ مشارك قسم علوم الحديث. جامعة القران والحديث، قم، ايران.
mahdigh53@gmail.com

معلومات المادة	ملخّص البحث
نوع المقال: بحث **تاريخ الاستلام:** ١٤٤٥/٠٦/١١ **تاريخ القبول:** ١٤٤٥/١٢/٠٨	من أهم الاحداث الاجتماعية في تاريخ الاسلام حيث أدي بروز اختلافات اجتماعية و حزبيه بين المسلمين، و الانتفاضة العامة ضد الخليفة الثالث عثمان و قتله. اداءه في مجال تعيين عمال غير ملتزمين، تقسيم غير عادل للاموال العامه و عدم تطبيق بعض الحدود و القوانين الاسلامية مما ادي الي احتجاجات شامله و نهضة ثوريه ضد الخليفه الثالث. تحليل المعرفه المجتمعيه للحركة المذكورة، تصنيف و دراسه مراحل بلورة هذه الظاهرة الاجتماعية هو موضوع البحث الحاضر. في هذا المقال من خلال دراسه مكتبيه للنصوص التاريخيه، الروائية المتقدمة و المتأخره بصدد دراسه اهداف، مراحل بلورة و تصنيف هذه الظاهره الاجتماعية الهامة في صدر الاسلام، برؤية معرفة المجتمع.
الألفاظ المفتاحية	عثمان بن عفان، بلورة الحركة الاجتماعيه، العمال غير الملتزمين، تقسيم غير عادل للاموال العامه، رؤيه معرفه المجتمع.
الاقتباس:	رشيدي فرد، سيد حسين و مهدي غلامعلي (١٤٤٥). معرفه النوع، الاهداف و مراحل بلورة الحركة الاجتماعية ضد الخليفة الثالث برؤيه معرفة المجتمع. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٥ (١). ١٢٢ ـ ١٠٣. DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.101
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/15.54.101
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال ۱۵، بهار ۱۴۰۳، شماره ۵۷

گونه‌شناسی، اهداف و مراحل شکل‌گیری جنبش اجتماعی علیه خلیفه سوم با رویکرد جامعه‌شناختی

سید حسین رشیدی فرد[۱] / مهدی غلامعلی[۲]
۱. دانشجوی دکتری نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
sydhsynrshydyfrd@gmail.com
۱. دانشیار گروه علوم حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
mahdigh53@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۱۰۳ ـ ۱۲۲)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۰/۰۴
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۲۶

چکیده

از مهمترین رویدادهای اجتماعی تاریخ اسلام که موجب بروز اختلافات اجتماعی و حزبی میان مسلمانان گردیده است، خیزش عمومی علیه خلیفه سوم عثمان بن عفان و کشته شدن وی می‌باشد. عملکرد وی در زمینه گماردن کارگزاران غیر متعهد، تقسیم ناعادلانه اموال عمومی و عدم اجرای برخی حدود و قوانین اسلامی اعتراض‌های فراگیر و جنبشی انقلابی علیه خلیفه سوم را موجب گردید. تحلیل جامعه‌شناختی جنبش یادشده، طبقه‌بندی و بررسی مراحل شکل‌گیری این پدیده اجتماعی موضوع پژوهش حاضر است. در این نوشتار با بررسی کتابخانه‌ای متون تاریخی، روایی متقدم و متأخر به دنبال بررسی اهداف، مراحل شکل‌گیری و طبقه‌بندی این پدیده اجتماعی مهم صدر اسلام با رویکرد جامعه‌شناختی می‌باشیم.

واژگان کلیدی
عثمان بن عفان، شکل گیری جنبش اجتماعی، کارگزاران غیر متعهد، تقسیم ناعادلانه اموال عمومی، رویکرد جامعه شناختی.

استناد:
رشیدی فرد، سید حسین و مهدی غلامعلی (۱۴۰۳). گونه‌شناسی، اهداف و مراحل شکل‌گیری جنبش اجتماعی علیه خلیفه سوم با رویکرد جامعه‌شناختی. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۵ (۱). ۱۲۲ ـ ۱۰۳.
DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.101

کد DOI:
https://doi.org/10.22034/15.54.101

ناشر:
دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

عثمان بن عفان از سال ۲۳ تا ۳۵ ق به مدت دوازده سال به‌عنوان خلیفه سوم مسلمانان بر جامعه اسلامی حکمرانی نمود. مدت دوازده‌ساله حکومت وی شاهد وقایع مختلفی در نحوه حکمرانی و برخورد دستگاه حکومت با مردم و شیوه متقابل رفتار مردم با شخص حاکم بود. ثمره عملکرد ناشایست عثمان، اعتراض‌های گسترده و خیزش عمومی مردم علیه عثمان، ۴۹ روز محاصره خلیفه و کشته شدن وی به دست مخالفان بود.

آنچه اهمیت این مسئله را دو چندان کرده این است که جامعه‌ای به‌ظاهر آرام چگونه در زمانی کوتاه به محیطی سرشار از تنش و اعتراض نسبت به خلیفه تبدیل می‌گردد؟ این آشفتگی و اعتراض‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ گرچه وجود اعتراض و آشوب در هر حکومتی از سوی عده‌ای از مخالفان امری ناگزیر است، اما اعتراض‌های گسترده و جنبش همگانی در بلاد مختلف اسلامی که به محاصره و قتل خلیفه مسلمانان منتهی گردد، به‌عنوان پدیده‌ای نو در جامعه اسلامی شناخته می‌شد. بیشتر مسلمانان خلیفه را جانشین پیامبر خدا ﷺ دانسته و اطاعت از وی را امری واجب می‌شمردند. اما عملکرد عثمان به‌عنوان خلیفه به‌گونه‌ای بود که اعتراض اصحاب بزرگ پیامبر خدا را در پی داشت.

ضعف اراده، قومیت‌گرایی و انتقادناپذیری از مهم‌ترین ویژگی‌های عثمان بود که با وجود دشمنی دیرینه خویشان نزدیکش با اسلام و شخص پیامبر، مطرودین آن حضرت را بر خلاف سنت دو خلیفه قبل به مدینه برگرداند و با واگذاری مناصب مهم حکومتی و بخشش‌های فراوان به آنان و ریخت‌وپاش بیت‌المال موجب اعتراض برخی از خواص مهاجرین، انصار و عموم مردم در شهرهای جامعه اسلامی گردید.

یعقوبی در این‌باره می‌نویسد:

> مردم پس از گذشت شش سال از حکومت عثمان بر وی خرده گرفتند و افرادی درباره وی سخنانی گفتند. منتقدان وی می‌گفتند: خویشان خود را بر دیگران ترجیح داده و مراتع حیوانات را به خود اختصاص داده، خانه‌ای بزرگ و با شکوه برای خود بنا کرده، املاک و دارایی‌هایی از بیت المال مسلمانان را برای خود برداشته، ابوذر و عبدالرحمن بن حنبل دو صحابی بزرگ رسول خدا ﷺ را تبعید کرده، حکم بن أبی‌العاص و عبدالله بن سعد بن أبی‌سرح دو شخص مطرود پیامبر خدا را بازگردانده، و حق خون هرمزان را ضایع کرده و قاتل او عبیدالله بن عمر را قصاص نکرده است. ولید بن عقبه (فاسق) را به حکومت کوفه گماشته، پس در نماز آن اتفاق افتاده و با این رسوایی باز از حمایتش دست برنداشه و از روی جهل و ناآگاهی حکم به رجم زنی از قبیله جهینه داده که موجب مرگ وی گردیده است.[۱]

---

۱. یعقوبی، ***تاریخ یعقوبی***، ج ۲، ص ۶۹.

کلام یعقوبی نشان از وجود اعتراض‌ها بر عثمان و عدم رضایت مردم از برخورهای خلیفه در شش‌ساله اول دارد. گرچه این اعتراض‌ها به‌صورت جنبشی اجتماعی و گروهی صورت نگرفته بود، اما برگشت خلیفه از سنت دو خلیفه قبل در بازگرداندن مطرودین پیامبر، گماردن نزدیکان خود از بنی‌امیه، تعطیل برخی حدود الهی و برخورد تند و پرخاشگر خلیفه با منتقدین موجب ایجاد اعتراضی فراگیر و جنبشی اجتماعی پس از شش سال از حکومت وی گردید.

مردمانی که برای گرفتن حق خویش و اعتراض به عملکرد خلیفه، اطرافیان و کارگزاران وی در مدینه جمع شده بودند به گواه تاریخ گروهی ویژه و هماهنگ که از شهر و آبادی خاصی باشند، نیستند. بلکه این جامعه اسلامی است که یکسره در برابر خلیفه به پا خاسته و خیزش کرده است.

در این نوشتار با برشماری دلایل اعتراض‌های مردمی در برابر خلیفه سوم از میان متون تاریخی روایی متقدم و متأخر به تحلیل و بررسی مراحل شکل‌گیری، اهداف و طبقه‌بندی جنبش‌های اولیه در برابر خلیفه سوم خواهیم پرداخت.

سابقه و پیشینه تحقیق

مورخان و محدثان متقدم و متأخر هر کدام از زاویه دید خود باتوجه‌به تمایلات شخصی و اعتقادی خویش به بازگویی گزارش احداث عثمان و اسباب شورش مردم و معرفی آنان پرداخته‌اند. در جریان گزارش و ذکر احداث عثمان در کتب متقدم اهل سنت دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول مربوط به محدثین است که با پیشینه کلامی به روایتگری وقایع قتل عثمان و علل آن پرداخته و با استناد به عدالت صحابه از ذکر بسیاری از لغزش‌های خلیفه سوم گذشته و یا درصدد توجیه آن هستند. افرادی چون واقدی،[۱] طبری[۲] و ابن‌حجر[۳] در این گروه جای دارند. اما گروه دوم مورخینی هستند که بدون پیشینه ذهنی و تعصب کمتر نسبت به مباحث کلامی به واگویی حقایق تاریخی بر طبق مستندات نقل شده پرداخته و رخدادهای تاریخی را به‌خاطر پیشینه‌های ذهنی و تعصب حذف نکرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به یعقوبی،[۴] بلاذری[۵] و مسعودی[۶] اشاره کرد.

---

۱. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۳، ص ۵۳ ـ ۴۸.
۲. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج ۴، ص ۳۶۵.
۳. ابن‌حجر عسقلانی، ***الاصابة فی تمییز الصحابة***، ج ۲، ص ۴۶۳.
۴. یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۷۰ ـ ۵۶.
۵. بلاذری، ***جمل من انساب الأشراف***، ج ۶، ص ۱۳۲.
۶. مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۱، ص ۷۰۰ ـ ۶۹۱.

بر خلاف اهل سنت گرایش به حذف گزارش اسباب قتل عثمان، در میان شیعه به‌خاطر باورهای شیعیان درباره غصب خلافت و عدم قبول عدالت صحابه جایی ندارد. شیخ مفید[۱] و نصر بن مزاحم[۲] از متقدمین شیعه و آیت‌الله میلانی،[۳] جعفر مرتضی عاملی،[۴] رسول جعفریان[۵] و ری‌شهری[۶] از متاخرین شیعه در این گروه جای دارند که هر کدام از دیدگاه روایی ـ تاریخی و کلامی به این مسئله پرداخته و بدعت‌های عثمان را به تفصیل نقل کرده‌اند.

تاکنون تحقیق مستقلی از دید جامعه‌شناختی در این موضوع صورت نگرفته است و مقالات نوشته شده در این زمینه بیشتر به جنبه تاریخی ـ کلامی و بیان علل و زمینه‌های شورش علیه عثمان پرداخته‌اند. از میان مقالات منتشر شده، خلیلی تیرتاشی به بررسی علل مخالفت‌های ابوذر با سیاست مالی عثمان پرداخته است.[۷] علیرضا دره‌کی با بیان اسباب شورش علیه عثمان به بررسی مصداق قانون‌گریزی خلیفه سوم و تأثیر آن بر انحطاط جامعه از دیدگاه نهج‌البلاغه[۸] پرداخته است. همچنین حمیدرضا ثنایی در مقاله خود به بررسی و اختلاف دیدگاه دو تاریخ‌نگار معاصر یعنی طه حسین و مارتین هیندز (از مستشرقین) درباره واقعه قتل عثمان[۹] پرداخته است.

از جمله راه‌های بررسی جنبش‌های اجتماعی بررسی اسناد و مدارک تاریخی است.[۱۰] پژوهش حاضر به بررسی اهداف، مراحل شکل‌گیری و طبقه‌بندی جنبش اجتماعی علیه خلیفه سوم با رویکرد جامعه شناختی پرداخته و این پدیده اجتماعی را با روش توصیفی ـ تحلیلی از منابع کتابخانه‌ای برداشت نموده است.

عثمان

عثمان بنابر شورایی که خلیفه دوم پیش از مرگش تعیین کرد در سال ۲۳ قمری به خلافت رسید و تا

---

۱. مفید، ***الجمل***، ج ۱، ص ۱۳۸.
۲. منقری، ***وقعة الصفین***، ص ۹۳.
۳. میلانی، ***جواهر الکلام***، ج ۱۲، ص ۴۵۸ ـ ۳۸۳.
۴. عاملی، ***الصحیح من سیرة الامام علی***ﷺ، ج ۱۶، ص ۳۳۵ ـ ۱۰۴.
۵. جعفریان، ***تاریخ سیاسی اسلام***، ج ۲، ص ۱۵۹ ـ ۱۵۰.
۶. محمدی ری‌شهری، ***دانش‌نامه امیرالمؤمنین***ﷺ، ج ۳، ص ۱۷۳ ـ ۹۸.
۷. خلیلی تیرتاشی، «بررسی علل مخالفت‌های ابوذر با سیاست مالی عثمان»، ***معرفت***، ش ۷۷، ص ۷۴ ـ ۶۱.
۸. دره‌کی و کهن ترابی، «مصداق‌شناسی قانون‌گریزی خلیفه سوم و تأثیر آن در انحطاط جامعه از منظر نهج‌البلاغه»، ***حدیث اندیشه***، ش ۲۱، ص ۱۳۰ ـ ۱۰۶.
۹. ثنایی و مجتهدی، «دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه طه حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم»، ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***، ش ۳۱، ص ۷۴ ـ ۴۷.
۱۰. کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۴۷۰.

سال ۳۵ هجری بر مسلمانان حکومت کرد. به گفته طبری عثمان در زمان خلافت عمر بین مردم به‌عنوان جانشین او شناخته می‌شد.[۱] پیش از عمر بن خطاب انتخاب خلیفه با چنین شیوه‌ای سابقه نداشت.

از نخستین اقدامات عثمان هنگام رسیدن به خلافت، عزل بسیاری از والیان و مقامات پیشین دستگاه خلافت و گماردن خویشاوندان خود از بنی‌امیه که مطرود پیامبرﷺ بوده و سابقه دشمنی با اسلام و شخص پیامبرﷺ را داشتند، به مناصب مهم حکومتی بود. این اقدامات وی از همان ابتدا موجب برخی اعتراض‌ها به عثمان شد. رفتارهای خشونت‌آمیز با معترضان از صحابی پیامبر همچون ابوذر، عمار یاسر، ابن‌مسعود و ضرب‌وشتم و تبعید بسیاری از آنان، همچنین ریخت‌وپاش از بیت المال، موجب نارضایتی و اعتراضات عمومی در میان مردم گردید. سرانجام این نارضایتی‌ها و اعتراضات به جنبش‌هایی علیه حکومت وی تبدیل گردید و در سال ۳۵ ق پس از ۴۹ روز محاصره توسط معترضان، دوران حکومت عثمان در سن ۸۲ سالگی با قتل وی به پایان رسید.[۲]

جنبش اجتماعی

جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد.[۳]

کوئن جنبش اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: جنبش اجتماعی به کوشش سازمان‌یافته جمع یا گروهی اطلاق می‌شود که می‌خواهند بخشی از جامعه را تغییر دهند یا برعکس حفظ کنند.[۴] بنابراین جنبش اجتماعی وقتی پدید می‌آید که گروهی از افراد به‌گونه‌ای سازمان یافته درصدد تغییر یا حفظ برخی عناصر جامعه برآیند.

همه جنبش‌های اجتماعی، ویژگی‌های خاص و مشترکی دارند. این ویژگی‌ها عبارتند از مشخص بودن اهداف، داشتن برنامه‌هایی برای نیل به این اهداف و ایدئولوژی (مسلک). جنبش اجتماعی معمولاً دارای مجموعه اهدافی مشخص می‌باشد. جنبش اجتماعی که هدف آن بهبود وضع گروهی از مردم است، درصورتی موفق خواهد بود که برای مردم مشخص کند که هدفش ایجاد چه نوع تغییراتی در جامعه است. برنامه‌های موجود برای نیل به این اهداف بسیار متنوع بوده و ممکن است طیفی از تحصن‌های بدون خشونت، تظاهرات آرام، تظاهرات خشونت‌آمیز و انهدام اموال دولتی را در بر گیرد. بیان

---

۱. طبری، ***تاریخ الامم و الاملوک***، ج ۳، ص ۴۷۹.
۲. همان، ج ۴، ص ۴۱۵.
۳. حاجی حسینی، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۱۴۲.
۴. کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۴۷۲.

ایدئولوژی جنبش اجتماعی عامل گردآوری اعضای جنبش است؛ زیرا ایدئولوژی نه‌تنها منتقد وضع اجتماعی موجود می‌باشد بلکه علاوه بر آن اهداف جنبش و روش‌های رسیدن به این اهداف را نیز روشن می‌کند.[۱]

اوضاع اجتماعی و اسباب جنبش

جنبش‌های اجتماعی معمولاً هنگامی به موفقیت دست می‌یابند که وضع نامطلوب جامعه موجب شود که مردم به یکدیگر نزدیک‌تر شوند. عواملی از قبیل نارضایتی وسیع، سرخوردگی، بی‌سامانی اجتماعی، ناامنی، بی‌هنجاری و از خودبیگانگی، مردم را به یافتن زندگی بهتر سوق می‌دهد. هرگاه این عوامل با بی‌عدالتی اجتماعی همراه گردد انگیزه‌های پیوستن به جنبش اجتماعی شدت بیشتری می‌یابد.[۲]

اساسی‌ترین انتظار متدینان از حکومت، فراهم کردن فضا، امکانات و زمینه‌های عبودیت خداوند متعال است.[۳] برخلافِ دوران حکومت خلیفه سوم، خواسته‌های دینی مردم و مطابقت با الگوی اسلامی حکومت نبوی، در زمان خلیفه اول و دوم در ظاهر حفظ می‌شد. اما در دوران حکومت عثمان برخلاف دو خلیفه قبل این خواسته‌های دینی حتی در حد ظاهر نیز حفظ نشده و موجب اعتراض صحابی پیامبر و بزرگان جامعه اسلامی شد. از جمله خواسته‌های مسلمانان از حاکم اسلامی زهدگرایی حاکم، رعایت شایسته‌سالاری در انتخاب والیان شهرها، و برپایی واجبات و حدود الهی بود که در زمان حکومت خلیفه سوم، عمل به این ظواهر نیز با خودرأیی، خویشاوندی‌سالاری و بی‌عدالتی خلیفه نقض شد. مهم‌ترین عوامل خیزش مردم علیه خلیفه سوم را باید در رفتار و شیوه حکومت‌داری وی نسبت به جامعه اسلامی و روی‌گردانی از سنت‌های نبوی و خلفای قبلی دانست. از جمله دلایل اعتراض‌هایی که منجر به جنبش علیه خلیفه سوم و نارضایتی عمومی و بی‌سامانی اجتماعی گردید، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. خویشاوندسالاری و عدم شایسته‌گزینی

عثمان مردی از طبقه اشراف مکه است که نزدیکان او (بنی امیه) از دشمنان دیرین و کینه‌توز اسلام‌اند. از نخستین اقدامات وی هنگام رسیدن به خلافت عزل بسیاری از والیان و مقامات پیشین دستگاه خلافت و نصب خویشاوندان خود از بنی‌امیه که سابقه دشمنی با اسلام و پیامبرﷺ را داشته و مطرود حضرت بودند، می‌باشد. عثمان پس از رسیدن به خلافت بستگان خود که همان آزادشدگان پیامبر در فتح مکه می‌باشند را به‌عنوان همراز و کارگزار خود بر می‌گزیند. از جمله این افراد می‌توان به حَکَم بن أبی‌العاص و

---

۱. همان ص ۴۶۴.

۲. همان، ص ۴۶۸.

۳. لک‌زایی، ***درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی***ﷺ، ص ۴۶.

پسرانش مروان و حارث اشاره کرد که از کسانی هستند که پیامبر خدا با مهربانی و محبتی که نسبت به همگان داشت؛ آنان را نفرین کرد و فرمود: در جایی که من سکونت دارم این و فرزندانش نباید باشند. پس همه آنها را به طائف تبعید کرد.[۱]

پس از رحلت پیامبر خداﷺ و سر کارآمدن ابوبکر، عثمان همراه گروهی از بنی‌امیه نزد وی جمع شده و خواستار برگرداندن حَکَم بن أبی‌العاص به مدینه شدند؛ ابوبکر درخواست آنان را رد کرده و اجازه بازگشت حَکَم را به مدینه نداد. پس از مرگ خلیفه اول، عثمان به همراه خویشانش برای بازگرداندن حَکَم به نزد عمر آمده و درخواست خو را تکرار کرد، عمر نیز اجازه بازگرداندن مطرودین پیامبرﷺ را به مدینه نداد. چون عثمان خودش خلیفه شد، آنان را وارد مدینه کرد و گفت من با پیامبر خدا درباره آنان گفتگو کردم و بازگشت آنها را از او خواستم و او به من وعده داد که اجازه دهد ولی پیش از بازگشت آنان، پیامبرﷺ از دنیا رفت. عثمان پس از رسیدن به خلافت علاوه بر بازگرداندن حکم بن أبی‌العاص (تبعید شده پیامبر ص) به مدینه و مخالفت با سنت دو خلیفه قبل در باره اجازه بازگشت وی به مدینه، حَکَم را مأمور جمع آوری زکات قبیله قضاعه کرد و صد هزار درهم به وی بخشید.[۲] پس مردم عثمان را برای بازگرداندن تبعید شده پیامبر (حکم بن أبی‌العاص)، نکوهش کرده و این کار وی موجب خرده‌گیری مردم بر خلیفه گردید.[۳]

عثمان شخصی نژادپرست[۴] و قبیله‌گرا بود که با توجیهات نژادپرستانه به‌دنبال موجه‌سازی عزل و نصب‌های قبیله‌ای خویش بود.

اما عثمان علاوه بر بازگرداندن مطرودان پیامبر (بنی‌امیه) سیاست و اقتصاد را یکجا در اختیار آنها قرار داد. در سال ۲۷ هجری و پس از فتح آفریقا مروان بن حکم (پسرعمویش) را به دامادی خویش درآورد و او را به‌عنوان مشاور و کاتب ویژه خویش برگزید و خمس غنایم مصر را به وی بخشید و ولید بن عقبة بن أبی‌معیط برادر مادریش را به‌جای سعد بن أبی‌وقاص به امارت کوفه برگزید.[۵] ولید کسی بود که خداوند در قرآن تصریح به فسق وی نموده و مورد غضب پیامبر قرار گرفته بود.[۶] وی پس از رسیدن به

---

۱. بلاذری، ***جمل من انساب الاشراف***، ج ۶، ص ۲۵۵.

۲. گراوند و تیموری، «پیامدهای انتخاب و روی کار آمدن خلیفه سوم عثمان بن عفان ۲۳ ـ ۳۵ ق در تاریخ اسلام»، ***پارسه***، ش ۲۸، ص ۸۲.

۳. یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۱۶۴.

۴. نژادپرستی باوری است که برحسب آن، یک گروه نژادی خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر می‌داند. این واکنش همسان با گرایش‌های قوم‌مدارانه اکثر گروه‌هایی است که آداب و رسوم، قیافه ظاهری و شیوه زندگی خود را برتر از همه گروه‌های دیگر می‌داند. (کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۴۰۵)

۵. یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۱۶۶ ـ ۱۶۴.

۶. أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ. (سجده / ۱۸)

ولایت کوفه، شراب‌خواری جاهلی را آشکارا از سر گرفت به‌گونه‌ای‌که یک روز به هنگام نماز صبح با همان لباس منزل و با حالت مستی به مسجد آمد و نماز صبح را چهار کعت خواند و رو به نمازگزاران گفت: اگر بخواهید بیشتر بخوانم! و از فرط شراب‌خواری در مسجد بیهوش به زمین افتاد.[۱]

با اعتراض مردم کوفه، عثمان به ناچار ولید را عزل و دامادش سعید بن العاص بن امیه را به حکومت کوفه گماشت.

عبدالله بن سعد بن أبی‌سرح دیگر برادرش را که سابقه ارتداد و دستور قتل وی توسط پیامبر صادر شده بود[۲] را در سال ۲۵ ق به جای عمرو بن عاص به حکومت مصر برگزید و سهمی افزون از غنایم مصر را به وی بخشید.

حارث بن حکم (برادر مروان) را به ازدواج دخترش عایشه درآورد و پس از برکناری زید بن ارقم حارث را به‌عنوان خزانه‌دار خویش قرار داد و صد هزار سکه از بیت المال مسلمین به وی بخشید.[۳]

۲. رفاه‌زدگی

عثمان در زمان جاهلیت، یکی از برجسته‌ترین ثروتمندان و تاجران مکه انگاشته می‌شد و حتی در زمان خلافت خود نیز به بازرگانی و دادوستد خانه و زمین‌های کشاورزی اشتغال داشت. او در نازونعمت زندگی می‌کرد. و در پاسخ کسانی که زهد عمر را به وی خاطرنشان می‌کردند، می‌گفت: «خدا عمر را بیامرزد! کیست که تاب و توان عمر را داشته باشد؟ من مال دارم و از ثروت خودم می‌خورم و باید خوراک کوبیده و نرم بخورم».[۴]

امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در نهج‌البلاغه با اشاره به این ویژگی عثمان می‌فرماید: «تا آنکه سومی به خلافت رسید، دو پهلویش از پرخوری باد کرده، همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود، و خویشاوندان پدری او از بنی‌امیه به پاخاستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد، عثمان آن‌قدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و أعمال او مردم را برانگیخت، و شکم‌بارگی او نابودش ساخت».[۵]

محدثان و تاریخ‌نگاران، زیاده‌روی و ریخت‌وپاش‌های عثمان را در کتب خود فراوان نقل کرده‌اند.[۶]

---

۱. مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۱، ص ۶۹۲.
۲. واقدی، ***مغازی***، ج ۲ ص ۶۵۵.
۳. ابن‌أبی‌الحدید، ***شرح نهج‌البلاغه***، ج ۱، ص ۱۹۹.
۴. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج ۴، ص ۴۰۱.
۵. ***نهج‌البلاغه***، خطبه ۳.
۶. ابن‌سعد، ***طبقات الکبری***، ج ۳، ص ۵۶؛ ابن‌حجر، ***الصواعق المحرقة فی الردّ علی اهل البدع و الزندقة***، ج ۲، ص ۷۸؛ محمدی ری‌شهری، ***دانش‌نامه امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام بر پایه قرآن حدیث و تاریخ***، ج ۳، ص ۱۰۱.

۳. بی‌عدالتی در تقسیم بیت المال

عثمان با بیت المال چنان رفتار می‌کرد که گویا «ملکِ طِلق» اوست. او اموال بسیاری را به ابوسفیان، حَکَم، مروان و دیگران می‌بخشد و در برابر اعتراض مردم هرگز تسلیم نمی‌شود. و شگفتا که این همه بخشندگی از بیت المال را «صله رحم» تلقی می‌کند. و به هنگام اعتراض مردم چنین توجیه می‌کند: «ابوبکر و عمر سهم خود را بر نمی‌داشتند، ولی من بر می‌دارم و میان قوم و خویشان خود تقسیم می‌کنم».[۱] وی با این‌گونه کارها تضادّ طبقاتی شگفتی را در جامعه اسلامی پدید آورد. این رفتارها و تفقدهای ظالمانه وی نسبت به بستگان و دادودهش‌های مخالف با آموزه‌های دینی، اندک‌اندک موجب گسترش اعتراض مردم در شهرهای مختلف گردید و به شورشی همگانی بر ضد عثمان تبدیل شد.

۴. برخورد با آموزه‌های دینی

از مهم‌ترین دلایل اعتراض صحابه به عثمان تعطیل برخی حدود الهی و بدعت در دین بود. تعطیل حکم قصاص فرزند خلیفه دوم اولین بدعت عثمان در دین بود که موجب اعتراض مردم و بزرگان صحابه چون امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام به خلیفه سوم گردید. اما عثمان بدون توجه به نصیحت و استدلال بزرگان صحابه و مردم با پافشاری بر رای باطل خویش و عفو حکم قصاص فرزند خلیفه دوم، موجب تعطیل حکم صریح اسلام درباره قصاص قاتل بدون توجیهی شرعی و مخالف با دستور خدا و خلیفه قبل خود یعنی عمر بن خطاب گردید.[۲]

از دیگر موارد تعطیل حدود الهی که مورد اعتراض بزرگان صحابه گردید، عدم اجرای حد شراب‌خواری ولید بن عقبه توسط خلیفه بود. وی که حاکم کوفه بود، شب‌ها به عیش‌ونوش پرداخته و صبح هنگام در حال مستی با لباس مجلس عیش برای اقامه و امامت نماز به مسجد آمده و نماز صبح را به جای دو رکعت چهار رکعت خواند و شرابی را که نوشیده در مسجد استفراغ کرد و بیهوش بر زمین افتاد. هنگامی‌که مردم معترض کوفه برای اعتراض به نزد خلیفه می‌آیند، با تهدید شاهدان را از نزد خود رانده و راضی به انجام حد شراب‌خواری بر ولید (حاکم کوفه و برادر رضاعی خویش) با وجود حجت و ادله نمی‌گردد. این مسئله علاوه بر تعطیل حدود الهی موجب اعتراض مردم و بزرگان صحابه مانند امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام و عایشه همسر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله نیز می‌گردد. اما تعصب خویشاوندی عثمان همان‌گونه که وی را مقابل اجرای دستور پیامبر در قتل معاویه بن مغیره[۳] و عبدالله بن سعد بن أبی‌سرح[۴] قرار داد، این بار مقابل

---

۱. بلاذری، ***جمل من انساب الأشراف***، ج ۶، ص ۱۳۳.
۲. سید مرتضی، ***الشافی فی الإمامة***، ج ۴، ص ۳۰۴.
۳. واقدی، ***مغازی***، ج ۱، ص ۲۴۴.
۴. همان، ج ۲، ص ۶۵۵.

اجرای دستور خدا در اجرای حد شراب‌خواری ولید (برادر رضاعی خویش و حاکم کوفه) قرار می‌دهد.[۱]

از مهم‌ترین بدعت‌هایی که عثمان در سال‌های پایانی خلافت خود مرتکب شد و مورد اعتراض صحابه قرار گرفت، تمام خواندن نماز در مسافرت (منا) است.

طبری با اشاره به اتفاقات پایانی سال ۲۹ ق از ابن‌عباس چنین نقل می‌کند:

> اولین مسئله‌ای که مردم بر عثمان ایراد گرفتند، آن بود که در سال ششم حکومتش، برخلاف سال‌های پیشین، نماز را در منا چهار رکعتی خواند! بسیاری از اصحاب رسول الله ﷺ بر او ایراد گرفتند. کسانی هم که دنبال اشکال‌تراشی بیشتر نسبت به او بودند، به این مسئله بیشتر دامن زدند تا اینکه علی ؑ در میان کسانی که می‌آمدند، نزد عثمان رفت و گفت: به خدا سوگند امر تازه‌ای روی نداده و عهد جدیدی رخ نداده است. تو در زمان پیامبر ﷺ و در زمان ابوبکر و عمر و سال‌های ابتدایی حکومت، نماز را دو رکعتی می‌خواندی! نمی‌دانم چه امری پیش آمده که نماز را چهار رکعتی خواندی؟ عثمان در پاسخ گفت: این یک رأی و نظری [شخصی] بود که آن را انتخاب کردم![۲]

۵. مشاوران نابکار

پیشکاران و مشاوران هر مدیر در اداره و نظم بخشیدن به امور و تحقق جریان‌ها جایگاهی شگرف دارند. به تحقیق نقش مشاوران اجرایی در مدیریت مدیر و رهبر جامعه نقشی بنیادی و اساسی است. نزدیکان عثمان (بنی امیه) نه وجهه اجتماعی دارند و نه چهره دینی. نه با انصار پیوندی درست دارند و نه با مهاجران کرداری نیکو. نتیجه آن سوق دادن عثمان به راهی است که شورش مردم و قتل وی را در پی دارد. ابوسفیان که سیاست و دشمنی‌اش با اسلام بر همگان آشکار است به عثمان می‌گوید: «این حکمرانی، حکومتی جهانی و این سلطنت و قدرت، همان پادشاهی جاهلی است. پس بنی‌امیه را مهتران زمین قرار ده».[۳]

عثمان گرچه در سخن با گفتار ابوسفیان مخالفت کرده و به وی اعتراض می‌کند،[۴] اما در عمل طبق نقشه این سیاست‌باز بزرگ بنی‌امیه پیش می‌رود؛ اما فرجام این سفارش ابوسفیان، شورش مردم علیه خلیفه و قتل وی است.

سررشته تمام کارهایی که به نام عثمان انجام می‌شود در دست مروان (داماد و کاتب عثمان) است.

---

۱. بلاذری، ***جمل من انساب الاشراف***، ج ۶، ص ۱۴۴.
۲. طبری، ***تاریخ الامم و الرسل و الملوک***، ج ۴، ص ۲۶۷.
۳. مسعودی، ***مروج الذهب***، ج ۱، ص ۶۹۹.
۴. همان.

وی را می‌توان سیمای پنهان حکومت عثمان معرفی نمود. مروان در تمام امور حکومتی دخالت می‌کرد. ازجمله شیطنت‌های وی، نامه مهر شده و دستور شکنجه و قتل شورشیان مصری بود که منجر به قیام عمومی علیه عثمان شد.[۱] ابن‌تیمیه در این باره می‌گوید:

> همانا فتنه و شورشی که منجر به قتل عثمان شد، تنها به‌سبب اقدام صورت‌گرفته از سوی مروان بود. به تحقیق سبب شورش عمومی علیه عثمان، آن دسته کارهایی بود که از سوی مروان صورت گرفته بود و عثمان از آن امور بی‌اطلاع بود.[۲]

دیگر مشاوران عثمان نیز از این قبیل‌اند. هنگامی که عثمان آنان را گردآورده تا نظرشان را درباره ناخرسندی مردم از اوضاع حکومت بپرسد، معاویه راه‌حل را استفاده وی از نیروی نظامی می‌داند. عبدالله بن عامر نیز می‌گوید: «باید آنان را به جهاد به سرزمین‌های دور فرمان دهی تا از خرده‌گیری بر تو وامانند و در مرزها نگاه داری تا در برابر تو احساس حقارت کنند و در برابر تو، هم‌ّشان جز حفظ جان خود نباشد».[۳]

۶. عدم انتقادپذیری خلیفه و رفتار خشونت‌آمیز با معترضان

منصوبان و نزدیکان خلیفه با پشتیبانی وی چنان بر مردم سخت می‌گیرند که فریاد مردم به جایی نمی‌رسد، و چون صحابه بزرگ پیامبرﷺ خدا زبان به اعتراض می‌گشایند سیاسی می‌شوند و خلیفه با برخوردی خشن و دور از انصاف آنان را از خود دور می‌سازد. ابوذر را به ربذه تبعید می‌کند و او در تنهایی و مظلومیت از دنیا می‌رود.[۴] عثمان، عمار بن یاسر دیگر صحابی بزرگ رسول خداﷺ که پیامبر، وی را به حق‌مداری وصف نموده و تبعیت از وی را در فتنه‌ها موجب رسیدن به حقیقت بیان داشته بود،[۵] چنان می‌زند که به فتق دچار می‌شود.[۶] عبدالله بن مسعود را تبعید کرده و حقوقش را از بیت‌المال می‌بُرَد؛[۷] همچنین کعب بن عبده که از قاریان کوفه بود، به‌خاطر اعتراض به عملکرد عثمان، به دستور وی تازیانه خورده و به دماوند تبعید می‌گردد. از دیگر بزرگانی که به‌خاطر اعتراض به عملکرد عثمان به دستور وی

---

۱. همان، ج ۲، ص ۳۴۴.
۲. ابن‌تیمیه حرانی، ***منهاج السنة النبوية***، ج ۶، ص ۲۴۸.
۳. محمدی ری‌شهری، ***دانش‌نامه امیرالمؤمنین*** علیه السلام ***بر پایه قرآن حدیث و تاریخ***، ج ۳، ص ۳۵۳.
۴. ابن‌أبی‌الحدید، ***شرح نهج‌البلاغه***، ج ۸، ص ۲۵۷.
۵. ابن‌سعد، ***الطبقات الکبری***، ج ۳، ص ۲۲۴.
۶. همان، ج ۱، ص ۲۳۹.
۷. بلاذری، ***جمل من انساب الاشراف***، ج ۶، ص ۱۴۷.

تبعید گردیدند می‌توان به حارث همدانی، زید بن صوحان، عامر بن عبد قیس، عبدالرحمن بن حنبل و مالک اشتر نخعی نام برد.[۱]

از دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز عثمان، تهدید به آتش افکندن و سوزاندن عایشه و حفصه دو همسر پیامبرﷺ در پی اعتراض به وی می‌باشد.[۲] از دیگر واکنش‌های تند خلیفه با منتقدان تهدید امام علی‌ؑ به تبعید، در پی مشایعت ابوذر می‌باشد.[۳]

گونه‌شناسی جنبش اجتماعی علیه عثمان

انواع گوناگون جنبش‌های اجتماعی باتوجه‌به ابزارهایی که برای نیل به اهداف‌شان به کار می‌گیرند از یکدیگر متمایز می‌شوند. دو وسیله از این وسائل، اعمال قدرت و اقناع است. برخی از روش‌های به کار بردن قدرت عبارتند از ترور، آدم‌ربایی، انهدام اموال عمومی، رشوه، تهدید و تحمیل. برخی از روش‌های اقناع متداول عبارتند از تبلیغات، تحریک احساسات، پخش نشریه‌ها، اعلامیه‌ها و ایراد سخنرانی‌ها در دفاع از خواسته‌های گوناگون جنبش.[۴]

جنبش‌ها بسته به نوع هدف، برنامه و شرایط اجتماعی انواع گوناگونی دارند. برخی از این جنبش‌ها عبارتند از: جنبش نمایشی، جنبش ارتجاعی (واپس‌گرا)، جنبش محافظه‌کار، جنبش اصلاح‌طلب، جنبش آرمان‌گرا و جنبش انقلابی.[۵]

خیزش و جنبش اجتماعی علیه عثمان را باید جنبشی انقلابی نامید، چراکه افراد و سران این جنبش خواستار دگرگونی سریع و اساسی در جامعه بودند. هدف جنبش انقلابی، سرنگونی دستگاه سیاسی حاکم و جایگزینی نظام سیاسی دیگر است.[۶]

سران جنبش ابتدا خواستار برکناری و عزل حاکم و رهبر جامعه (عثمان) بودند، اما با مقاومت عثمان و عدم قبول خواسته جمع شرکت‌کننده و پرتاب تیری از بام خانه عثمان به‌سوی محاصره‌کنندگان و کشته شدن شخصی از اعضای جنبش،[۷] این جنبش انقلابی به خشونت کشیده شد.

---

۱. بلاذری، ***انساب الاشراف***، ج ۶، ص ۱۳۸ ـ ۱۳۴.
۲. مفید، ***الجمل***، ص ۱۴۷.
۳. همان.
۴. کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۴۶۴.
۵. همان، ص ۴۶۶ ـ ۴۶۴.
۶. همان، ص ۴۶۵.
۷. محمدی ری‌شهری، ***دانش‌نامه امیرالمؤمنین‌ؑ بر پایه قرآن حدیث و تاریخ***، ج ۳، ص ۳۳۵.

اهداف جنبش

در این جنبش، افراد و گروه‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوت در جنبشی انقلابی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. افراد و رهبران جنبش و گروه‌های مخالف عثمان را بنابه اهداف و دلایل مخالفتشان با خلیفه، نوع عملکرد آنان به هنگام اعتراض و شورش، موضع‌گیری آنان پس از کشته شدن عثمان و روی کار آمدن حاکم جدید (امیرالمؤمنین علیه السلام) می‌توان به سه گروه تقسیم کرد.

سنت‌گرایان راستین: گروهی که تنها دلیل مخالفتشان با شخص خلیفه و دستگاه حکومت، مخالفت خلیفه با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلفای قبلی و همچنین به‌کارگیری دشمنان دین و پیامبر در مناصب دولتی به جای صحابی بزرگ رسول‌خدا صلی الله علیه و آله بود. از مهم‌ترین این افراد میتوان به امام علی علیه السلام، ابوذر، عمار یاسر و عبدالله بن مسعود از اصحاب بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد. این گروه اولین منتقدان عثمان از روزهای آغاز حکومت خلیفه سوم بودند، که فریاد آنان به هنگام تعطیلی حکمی از احکام الهی، تحریف و تغییر در احکام دین و گماردن دشمنان و مطرودان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر مناصب حکومتی برخاسته و خواستار اصلاح رفتار حاکم اسلامی و برپایی احکام دینی ـ حکومتی اسلام بودند. گرچه این گروه از اولین منتقدان حکومت عثمان هستند، اما به هنگام اعتراض خویش به‌دنبال تغییر حاکم نبودند. شیوه اعتراض، خواسته‌ها و نقد اصلاحی آنان به عثمان، سبب قرار دادن آنان در دسته اول است. این گروه اعتراض و انتقاد خویش را به‌گونه‌ای رسا و اصلاح‌طلبانه به گوش خلیفه می‌رساندند.

انقلابیون: گروهی که از بیداد و ستم خلیفه و کارگزارانش به ستوه آمده و خواستار برکناری خلیفه و کارگزاران ظالمش از حکومت بودند. از مهم‌ترین این افراد که خواستار انقلابی اساسی در حکومت بودند می‌توان به مالک اشتر نخعی رهبر شورشیان کوفه، حکیم بن جبله عبدی رهبر شورشیان بصره، عبدالرحمن عُدَیس بلوی، محمد بن أبی‌حذیفه و محمد بن أبی‌بکر از رهبران شورشیان و مخالفین مصر نام برد. این گروه از معترضان و منتقدان دوره دوم شش‌ساله خلافت عثمان بودند و برخلاف گروه اول در قیام مسلحانه علیه عثمان شرکت داشته و از قاتلین خلیفه شمرده می‌شدند. آنان با اعتقاد به اینکه رفتار خلیفه قابل اصلاح نیست، خواستار برکناری عثمان گرچه با توسل به خشونت و قتل وی بودند. افراد این گروه پس از قتل عثمان و آغاز سیستم جدید حکومتی در زمان امام علی علیه السلام، برخلاف گروه سوم در برابر حکومت امام علی علیه السلام سر فرو آوردند.

فرصت‌طلبان: گروهی که دلیل مخالفتشان با خلیفه، سلب برخی امتیازات گذشته آنها در دوران خلفای پیشین بود. از مهم‌ترین این افراد می‌توان به عایشه همسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به‌خاطر کم کردن سهمش از

بیت‌المال نسبت به زمان عمر،[۱] عمرو بن عاص به‌خاطر برکناریش از حکومت مصر توسط شخص خلیفه،[۲] طلحه و زبیر به‌خاطر طمعشان نسبت به حکومت و خلافت بر عامه مسلمانان پس از عثمان باتوجه‌به ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی که دارا بودند نام برد.[۳] کلام عبد الله بن عمرو به برخی مخالفان از این گروه مصداق درستی برای شناسایی آنان می‌باشد، که به برخی از آنان می‌گفت: «اگر به شما پول بدهد راضی می‌شوید اما اگر به خویشان خودش بدهد بر او خشم می‌کنید».[۴]

این گروه که از آنان به فرصت‌طلبان یاد می‌شود، نسبت به گروه دوم از جایگاه سیاسی اجتماعی بالایی برخوردار بودند و بدون تأیید آنان جنبش نهایی نمی‌شد. هدف آنان برگشت به گذشته برتر و رسیدن به منافع بیشتر بود. آنان باتوجه‌به جایگاه ویژه‌ای که در میان مسلمانان داشتند از مهم‌ترین دلایل شورش اجتماعی فراگیر علیه شخص خلیفه و قتل وی بودند. گرچه پس از نهادمند شدن جنبش و قتل عثمان برخلاف پیش‌فرض ذهنی آنان امام علی‌علیه‌السلام به‌عنوان خلیفه از سوی مسلمانان برگزیده شد، اما سران این گروه باتوجه‌به پیش‌فرض‌های ذهنی اشتباه که پس از قتل عثمان در نظر گرفته بودند، برخلاف گروه دوم، دوباره به مخالفت و شورش در مقابل حاکم جدید با توجیه خون‌خواهی خلیفه سوم برخاستند.

مراحل شکل‌گیری جنبش اجتماعی علیه عثمان

یک جنبش شکل یافته برای نیل به مقصود، مراحلی را می‌گذراند؛ اما باید دانست همه جنبش‌های اجتماعی الگوی یکسانی ندارد؛ با این وجود، سرآغاز بیشتر جنبش‌ها یک موقعیت آشفته و بحرانی در جامعه می‌باشد سپس با سرعت‌های گوناگونی رشد می‌یابند و سرانجام یا از بین می‌روند و یا نهادمند می‌شوند.[۵] بیشتر جنبش‌های اجتماعی مراحل زیر را طی می‌کنند:

۱. مرحله ناآرامی: در این مرحله عملکرد بد و ظالمانه نظام حاکم ناخرسندی گسترده‌ای را در میان مردم پدید می‌آورد. این مرحله می‌تواند گسترش یابد و سال‌ها به درازا بکشد.[۶]

آغاز این مرحله جنبش را می‌توان به هنگام مخالفت عثمان با سنت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و خلفا در عزل و نصب‌های حکومتی، بازگرداندن مطرودین پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه و سپردن مهم‌ترین مناصب حکومتی و

---

۱. یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۱۷۵.
۲. طبری، ***تاریخ الامم و الملوک***، ج ۴، ص ۳۵۷.
۳. یعقوبی، ***تاریخ الیعقوبی***، ج ۲، ص ۱۷۵.
۴. جعفریان، ***تاریخ سیاسی اسلام***، ج ۲، ص ۱۵۰.
۵. کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۴۶۹.
۶. همان، ص ۴۶۹.

ولایتی به دشمنان پیامبرﷺ (بنی‌امیه) بر شمرد که با اعتراض برخی صحابی بزرگ رسول‌اللهﷺ چون ابوذر، عمار بن یاسر و ابن‌مسعود آغاز گردید.

گرچه برخی محدثین و تاریخ‌نگاران چون ابن‌سعد و یعقوبی آغاز اعتراضات عمومی به خلافت عثمان را دوره شش‌ساله دوم حکومت وی ابراز داشته‌اند اما به عقیده مادلونگ آنچه سبب شد تا در نیمه نخست خلافت عثمان، مخالفتی جدی علیه خلیفه رخ ندهد، بذل و بخشش‌های افراطی و نرمش متداول وی بود که به‌شدت با سختگیری و تندخویی عمر تفاوت داشت که آرام نگه داشته شدن برخی از بزرگان صحابه مانند طلحه و زبیر و قریش را در پی داشت. او همچنین به قریشیان اجازه داد که مختارانه در ولایات فتح شده رفت‌وآمد کنند درحالی‌که در زمان عمر از ترک حجاز جز با اجازه مخصوص خلیفه منع شده بودند.[۱]

۲. مرحله برانگیختگی: پس از آنکه توجه همگان به عوامل پدیدآورنده ناآرامی جلب شد مردم گردهم می‌آیند. آنگاه محرکان و رهبرانی از میان جمع قد علم می‌کنند و مردم را بر می‌انگیزند. آنها به مردم می‌گویند که شمار بسیاری از مردم دیگر با مسائل آنان دست به گریبانند و تنها به صورت دسته‌جمعی می‌توانند این مشکلات را حل کنند.[۲]

پس از اعتراض اصحاب بزرگی چون ابوذر، عمار یاسر، ابن‌مسعود و دیگران و برخورد خشن خلیفه و تبعید این بزرگواران موج اعتراضات از جای‌جای بلاد اسلامی و شخصیت‌های تأثیرگذار نسبت به برخورد خلیفه با صحابی بزرگوار رسول‌خداﷺ سرازیر می‌شود. از این افراد تأثیرگذار می‌توان به اعتراض امیرمؤمنان در برخورد خلیفه با ابوذر و عمار و اعتراض عایشه نسبت به ضرب‌وجرح عمار یاسر نام برد. هم‌چنین برخورد ظالمانه منصوبان خلیفه و کارگزاران و والیان از خویشان وی پشتیبانی او از آنان از مهم‌ترین دلایل اعتراضات گسترده مردمی علیه شخص خلیفه و کارگزاران وی بود. اعتراض مردم کوفه، مصر و بصره نسبت به عملکرد و ظلم و تبعیض منصوبان خلیفه را از این قسم باید دانست.

۳. مرحله قالب‌ریزی: در این مرحله یک شبکه سازمان‌یافته رسمی با سلسله‌مراتبی از مسئولان ظهور می‌کند. از مهم‌ترین کارکردهای این مرحله روشن ساختن باورها و اندیشه‌های جنبش برای اعضای آن است که اکنون نظم‌ونسق یافته است. ادله ناخرسندی اعضا، برنامه عملی جنبش و هدف‌های آن باید در این مرحله برای اعضا به تفصیل شرح داده شوند.[۳]

پس از اعتراض مردم شهرها به عملکرد خلیفه و عاملان وی و آمدن به مدینه برای دادخواهی به نزد

---

۱. مادلونگ، ***جانشینی محمد***ﷺ، ص ۱۲۵.
۲. کوئن، ***مبانی جامعه‌شناسی***، ص ۴۶۹.
۳. همان، ص ۴۶۹.

خلیفه با وساطت امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام و خطبه و توبه ظاهری عثمان، مردم معترض به‌سوی شهرهایشان باز می‌گردند، اما با مداخله مروان و تهدید مردم و دستور شکنجه و قتل مردم معترض مصر و کشف این دستور مخفیانه در میان مسیر توسط مصریان معترض، آتش فتنه برای دیگربار شعله‌ور گردیده و مردم معترض پس از فهمیدن شکستن توبه عثمان دوباره به مدینه بازگشته و کاخ خلیفه را محاصره می‌کنند. در این هنگام با پیچیدن این خبر در بین مردم و اضافه شدن معترضان سایر بلاد و برخی صحابی بزرگ مدینه و تحریض آنها بر قتل عثمان و تغییر خلیفه جنبش وارد مرحله جدیدی شده و به‌صورت نهادی ثابت برای رسیدن به خواسته‌های معترضان تبدیل می‌گردد. در این مرحله ابن‌أبی‌حذیفه و محمد بن أبی‌بکر به همراه چهارصد نفر از مصر به فرماندهی عبدارحمن عدیس، مالک اشتر نخعی با دویست مرد از کوفه، حکیم بن جبله عبدی به همراه صد نفر از بصره به محاصره کاخ عثمان پرداختند و با اضافه شدن طلحه و زبیر دو صحابی بزرگ و مهم از لحاظ جایگاه اجتماعی و تحریض آنها به کشتن خلیفه، سرانجام پس از ۴۹ روز محاصره، عثمان به دست معترضان و شورشیان کشته شد.

٤. مرحله نهادمند شدن: درصورتی‌که جنبش در جذب طرفداران و جلب حمایت عموم موفق شود جنبش نهادمند می‌شود. در این مرحله نوعی دیوان‌سالاری در جنبش ایجاد می‌شود و رهبری منضبط و حرفه‌ای جایگزین شخصیت‌های فرهمند پیشین می‌گردد.[۱]

پس از محاصره اول و آغاز محاصره دوم و اضافه شدن شخصیت‌های تأثیرگذار جنبش چون طلحه، زبیر، عمار یاسر، مالک اشتر، محمد بن أبی‌بکر و دیگران و روشنگری‌ها و تبیین اهداف جنبش توسط بزرگان از صحابه، خطیبان و جنگ‌آوران و محاصره نظامی جنبش حالتی نهادمند به خود گرفته و پس از قتل خلیفه و جنبش انقلابی مردم، بزرگان از صحابه چون عمار یاسر، زبیر و دیگران مردم را به‌سوی برگزیدن امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام، بازگویی فضایل حضرت و سفارشات پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به او ترغیب کردند و برای اولین بار سیل مردم به‌سوی انتخاب خلیفه حقیقی و جانشین واقعی رسول‌خداصلی‌الله‌علیه‌وآله روانه شدند و با وی به‌عنوان رهبر و خلیفه چهارم مسلمانان بیعت کردند.[۲]

نتیجه

بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی جنبش اجتماعی علیه خلیفه سوم، این نتایج را نشان می‌دهد:

۱. اوضاع اجتماعی مسبب جنبش علیه عثمان عبارتند از: نژادپرستی و توجیهات نژادپرستانه خلیفه،

---

۱. همان، ص ۴۷۰.

۲. محمدی ری‌شهری، ***دانش‌نامه امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ***، ج ۳، ص ۴۶۵.

بی‌عدالتی در تقسیم بیت المال، برخورد با آموزه‌های دین، به‌کارگیری مشاوران نابکار، انتقادناپذیری و برخورد خشن خلیفه با معترضان.

۲. با بررسی سران جنبش، خواسته‌ها و اهداف آنان، اعضاء جنبش را می‌توان به سنت‌گرایان راستین، انقلابیون و فرصت‌طلبان تقسیم نمود.

۳. خواسته مشترک این سه گروه پس از نهادی شدن جنبش، دگرگونی سریع و اساسی در نظام حاکم و جایگزینی خلیفه جدید است که از آن به جنبشی انقلابی یاد می‌شود.

۴. این جنبش انقلابی مانند سایر جنبش‌های نهادی چهار مرحله ناآرامی، برانگیختگی، قالب‌ریزی و نهادی شدن را پشت‌سر گذاشته است.

۵. مهم‌ترین ثمر این جنبش ایجاد روشی جدید و کاملاً مردمی با جمهوریت غالب مردم در انتخاب خلیفه جدید بود. همچنین کشته شدن خلیفه توسط معترضین و اختلاف رهبران جنبش بر سر منافع از آسیب‌های اجتماعی این جنبش انقلابی تاریخ اسلام است که دودستگی جامعه مسلمین بر سر مسئله ظالم یا مظلوم کشته شدن خلیفه و جنگ‌های داخلی دوران امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام را در پی داشت.

منابع و مآخذ

قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان.

نهج‌البلاغه. محمد بن حسین الشریف الرضی. صبحی صالح. قم: هجرت. چ ۱. ۱٤۱٤ ق.

۱. ابن‌أبی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۷۵). ***جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه ابن‌أبی‌الحدید***. ترجمه مهدوی دامغانی. محمود. تهران: نشر نی.

۲. ابن‌تیمیه حرانی، احمد بن عبدالحلیم (۲۰۰٦ م). ***منهاج السنة النبویه***. ریاض: دار احد.

۳. ابن‌حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۱٤۱۵ ق). ***الإصابة فی تمییز الصحابة***. بیروت: دارالکتب العلمیة.

٤. ابن حجر الهیتمی، ابوالعباس احمد بن محمد بن علی (۱٤۱۷ ق). ***الصواعق المحرقه علی اهل الرفض و الضلال و الزنادقه***. بیروت: مؤسسه الرسالة.

۵. کوئن، بروس (۱۳۹۸). ***مبانی جامعه‌شناسی***. ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

٦. بلاذری، احمد بن یحیی (۱٤۱۷ ق). ***جمل من انساب الاشراف***. بیروت: دار الفکر.

۷. ثنایی، حمیدرضا و مهدی مجتهدی (۱۳۹۷). دو گزارش از یک واقعه تاریخی: مطالعه تطبیقی نگاه

طه حسین و مارتین هیندز به قتل خلیفه سوم. ***تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. ۹ (۲). ۷٤ ـ ٤۷.

۸. جعفریان، رسول (۱۳۷٤). ***تاریخ سیاسی اسلام***. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۹. حاجی حسینی، حسن (۱۳۹٦). ***مبانی جامعه‌شناسی***. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۰. حسینی میلانی، سید علی (۱٤۰۰). ***جواهر الکلام فی معرفة الإمامة و الإمام (بررسی و نقد ادله خلافت خلفاء و نقد عایشه. طلحه. زبیر و معاویه)***. قم: الحقایق.

۱۱. حیدری، محسن (۱۳۹۵). ***حزب علوی و حزب اموی***. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۱۲. خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۸۳). بررسی علل مخالفت‌های ابوذر با سیاست مالی عثمان. ***معرفت***. ۱۲ (۱). ۷٤ ـ ٦۱.

۱۳. دره‌کی، علیرضا و کهن ترابی، میثم (۱۳۹۵). مصداق‌شناسی قانون‌گریزی خلیفه سوم و تأثیر آن در انحطاط جامعه از منظر نهج‌البلاغه. ***حدیث اندیشه***. ۱۱ (۱). ۱۳۰ ـ ۱۰٦.

۱٤. سید مرتضی، ابوالقاسم علی بن الحسین (۱٤۱۰ ق). ***الشافی فی الإمامة***. تهران: مؤسسة الصادق للطباعة و النشر.

۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق). ***تاریخ الامم و الملوک***. بیروت: دارالتراث.

۱٦. عاملی، جعفر مرتضی (۱٤٤۱ ق). ***الصحیح من سیرة الامام علی علیه‌السلام (المرتضی من سیرة المرتضی)***. بیروت: المرکز الإسلامی للدراسات.

۱۷. کاتب واقدی، محمد بن سعد (۱٤۱۰ ق). ***طبقات الکبری***. بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۸. گراوند مجتبی و تیموری فرزانه (۱۳۹٦). پیامدهای انتخاب و روی کار آمدن خلیفه سوم عثمان بن عفان ۲۳ ـ ۳۵ ق در تاریخ اسلام. ***پارسه***. ۱۷ (۱). ۱۱۱ ـ ۸۲.

۱۹. لک‌زایی، نجف (۱۳۸٦). ***درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی قدس‌سره***. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۲۰. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷). ***جانشینی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله***. ترجمه احمد آرام و دیگران. مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸٦). ***دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر پایه قرآن. حدیث و تاریخ***. قم: دار الحدیث.

۲۲. مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۷٤). ***مروج الذهب***. ترجمهابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۳. مفید، ابوعبدالله محمد بن نعمان (١٤١٦ ق). ***الجمل***. قم: مکتب الاعلام الاسلامی ـ مرکز النشر.

۲٤. منقری، نصر بن مزاحم (١٤٠٤ ق). ***وقعة الصفین***. قم: مکتبة آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.

۲۵. واقدی، محمد بن عمر (١٣٦٢ ش). ***مغازی***. ترجمه مهدوی دامغانی. محمود. تهران: نشر دانشگاهی.

۲٦. یعقوبی، ابن‌واضح احمد بن أبی‌یعقوب (١٣٧١). ***تاریخ الیعقوبی***. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.